



## میلاد زخم

● حبیب‌اله اسماعیلی

- میلاد زخم
- خسرو شاکری
- ترجمه شهریار خداجویان
- تهران، نشر اختران، ۱۳۸۶، ۷۱۵ صفحه

جنبش که وجهی از بنیان‌های نظری و اعتقادی وفاداران خود را بازگو می‌کند، از درونمایه‌ای مردم‌سالارانه و عدالت‌جویانه هم‌سو با فرهنگ اسلامی - ایرانی برخوردار است. در کنار این آرمان‌پردازی نظری، رفتار سیاسی و انقلابی عناصر اصلی جنبش جنگل به ویژه رهبری فرهمند آن، دور نشدن از بومی‌گرایی و ناوابستگی را به ما یادآور می‌شود. توجه به دو وجه ایرانییت و اسلامیت جنبش جنگل و همچنین خاستگاه نیروهای حامی آن می‌تواند پژوهشگر علاقمند به حقایق تاریخی این مرحله را، از اعوجاج ناشی از تصاویر ایدئولوژیک و فرقه‌ای ارائه شده از جنبش جنگل برهاند.

سوم: جنبش جنگل بعد از ورود ارتش سرخ به سال ۱۲۹۹، با نخستین پرده‌های سراب عدالت‌خواهی‌های «لبنی» روبرو شد. این نخستین پرده که دیگر پرده‌هایش تا حدود هفت دهه بعد بر صحنه آمد، قربانیان خود را از بین نیروهای برگزیده که ساده‌انگارانه بهشت سوسیالیسم را در پرتو تکیه بر «حزب برادر» در مسکو می‌جستند و کرم‌لین‌نشینان نیز با محور قراردادن منافع شوروی و تقدم بخشیدن این منافع بر هر اصل دیگر، با جسم و جان این جماعت دژ ناستوار سوسیالیسم روسی را مستحکم می‌کردند.

فصل اخیر جنبش جنگل نیز از همین حیث اهمیت دارد، چراکه بازی‌سازان «حزب برادر» نه تنها جنبش ایرانی - اسلامی و مستقل و ناوابسته جنگل را در معامله با رضاخان و حامیان انگلیسی او، که عناصر مؤمن به خویش را نیز در فاصله نه چندان کوتاه در پای معبد سوسیالیسم روسی ذبح کردند.

سرنوشت سلطان‌زاده و احسان‌الله خان، نمونه‌ای از پرشمار اجزای نمایش تلخی است که تا دهه‌ها بعد، قربانیان خود را از میان سازمان‌های دست‌سازی چون حزب توده و فرقه دمکرات و دیگر خرده‌سازمان‌ها و گروه‌های شبیه به آن برگزید. تاکنون بسیاری را

جنبش جنگل به رهبری میرزا کوچک خان در شمار واپسین تلاش‌های بخشی از نخبگان میانی و عناصر مردمی وفادار به آرمان‌های انقلاب مشروطیت بود. وقوف به نظرگاه‌ها و خاستگاه‌های فعالان جنبش جنگل از آن حیث که می‌تواند در آشفته‌بازار تعرض‌های شبه‌تاریخی به مشروطه‌خواهی ایرانیان، ما را به تمایلات نیروهای ناوابسته به قدرت‌های محلی و سیاست‌های جهانی رهنمون سازد، اهمیتی دو چندان دارد.

البته جنبش جنگل نیز همانند انقلاب مشروطیت، از آشفته‌نگاری‌های شبه‌تاریخی مصون نمانده است. مراجعه به آثار پدیدآمده از ناحیه نیروها و جریان‌های مختلف که تصاویری متناقض و متباین از جنبش جنگل و رهبری آن را پیش چشم ترسیم می‌کند، گویای این مدعاست.

وقوف عالمانه به‌این جریان تاریخی، از جهات زیر برای پژوهشگری تاریخ معاصر اهمیت ویژه دارد:

یکم: جنبش جنگل مرحله‌ای از مسیر نه چندان کوتاه تحولات جامعه ایرانی برای وصول به شرایطی نوین در یک و نیم قرن اخیر است که بازیگران مستقل، بومی و ناوابسته آن در عین پابندی نقادانه به میراث اسلامی - ایرانی خویش، در پی دستیابی به دستاوردهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی دیگر جوامع برای خروج از چرخه خسارت توسعه‌نیافتگی است.

دوم: جنبش جنگل با تحرکی حدود ۶ سال (۱۳۰۰-۱۲۹۴) در سرزمین سرسبز حاشیه خزر، و دو مرحله متفاوت در فاصله سال‌های ۱۲۹۴ تا ۱۲۹۹ و ۱۲۹۹ تا ۱۳۰۰ (ماقبل و مابعد ورود ارتش سرخ گیلان)، در باطن خویش از پیوستگی وفادارانه به ایرانییت و اسلامیت متجلی شده در افکار و رفتار نیروهای ناوابسته و مردمی خویش نکاست. بازیگران اصلی آن، متأثر از آرمان مشروطیت بودند. مرام‌نامه

**جنبش جنگل نیز همانند انقلاب مشروطیت، از  
آشفته‌نگاری‌های شبه‌تاریخی مصون نمانده است. مراجعه  
به آثار پدیدآمده از ناحیه نیروها و جریان‌های مختلف که  
تصاویری متناقض و متباین از جنبش جنگل و رهبری آن را  
پیش چشم ترسیم می‌کند، گویای این مدعاست**

پیوند منافع سیاسی و سکوت عمدی آنان درباره ماهیت جنبش جنگل سخن به میان می‌آورد. در ادامه این سخنان، گرچه او نقشه‌پردازی براساس الگوهای منبعث از جامعه غربی را برای تحلیل جامعه ایرانی برنمی‌تابد و بر تحلیل‌گری بی‌طرفانه پای می‌فشارد، لیکن بر انبوه اسناد و سخنان میرزا کوچک خان در باب تعهد به ایرانیت و اسلامیت چشم می‌پوشد و ناخرسندی خود را از این که انقلاب اسلامی در تداوم جریان جنگل شمرده شود، پنهان نمی‌دارد.<sup>۲</sup>

خواننده کتاب در فصل دوم کتاب با اطلاعات ارزشمندی درباره وضعیت سواحل خزر همزمان با انقلاب مشروطیت روبرو می‌شود و درمی‌یابد که تا پیش از انقلاب ۱۹۰۵ روسیه، نشانه چشمگیری از تحرک وسیع برای مشروطه‌خواهی در این منطقه ملاحظه نمی‌شد و پس از آن بود که ناگهان همه گروه‌ها با تشکیل انجمن‌ها بر کوس مشروطه‌خواهی کوبیدند. البته نویسنده از این که گروه‌های قدرتمند نیز علاوه بر بخش‌هایی از نیروهای مردمی دست به تشکیل انجمن‌ها زده بودند، سخن به میان می‌آورد و فرایند رادیکال شدن انجمن‌ها در مبارزه با محمدعلی شاه را به بحث می‌کشد. در ادامه این سخن، وی عواملی را که موجب ناخرسندی گیلانیان از روند امور شده بود، به این شرح برمی‌شمارد: نادیده گرفته شدن انجمن‌ها، انحصاری شدن فعالیت سیاسی در مجلس، تسامح نابخردانه نسبت به کارگزاران قاجاری و تداوم رنج ناشی از تداوم استثمار توسط کارگزاران جدید. به‌زعم نویسنده، این‌ها موجب شده است شرایط برای خیزش جنگل به رهبری فرهنگدانه میرزا کوچک خان آماده شود.<sup>۳</sup>

البته وی علایق خود را نسبت به تجربه‌اندوزی جریان‌های سوسیال - دمکرات از فرایند جنبش مشروطیت، که معتقد است نقش برجسته‌ای در پیروزی مشروطه‌خواهی داشتند، نیز حفظ کرده است؛ از این روست که به سپردن جریان امور به نیروهای بورژوا - دموکرات انتقاد روا می‌دارد. او این وضعیت را عاملی می‌داند که به خلع سلاح مجاهدان مشروطه انجامید، که از جمله آنان میرزا کوچک خان بود. میرزا کوچک خان علاوه بر خلع سلاح به دستور سربازان تزاری به تبعید از گیلان نیز محکوم شده بود.

در چهارمین فصل کتاب، ابتدا وضعیت ایران همزمان با جنگ جهانی اول تصویر می‌شود. در این بخش از فصل ۴ وضعیت ناهنجار تهیدستان شهری و روستایی در کنار تن‌پروری ثروتمندان و اشراف برای خواننده توضیح داده می‌شود.

در تداوم همین سخنان، به شرایطی که منجر به توجه نخبگان

توهم بر این بود که در روزگار استالین چنین سرنوشتی در انتظار این دسته از عناصر مؤمن به حزب برادر بود، لیکن آثار منتشر شده دهه اخیر و اسناد نویافته، نشان از وجود چنین سیاستی از روزگار لنین تا برژنف را با شدت و ضعف متفاوت نشان می‌دهد. سیاستی که در چهره‌های متفاوت خود مرگ و تبعید را برای دگراندیشان و مزدوری را برای فرومایه‌گان به ارمغان می‌آورد.

اینک و از ورای فروکش کردن هیاهوی بزرگ سوسیالیسم روسی و کم‌رمق شدن آتش سینه‌چاکان آن، پژوهشگران با اسناد و آثار و دست‌نوشته‌های نه‌چندان کم‌شماری مواجه هستند که راه را برای پژوهش‌های غیرجانبدارانه درباره فرایند هفت دهه منفعت‌طلبی‌های سوسیالیست‌های روسی نسبت به ایرانیان هموارتر کرده است. انجام پژوهشی مستقل درباره ایرانیانی که در حصار شدیداً امنیتی شوروی سابق زیستند و در این دهه‌ها با تحدید استحاله در سرزمین شوراها یا حذف فیزیکی روبرو بودند، جای خالی خود را نشان می‌دهد.

پیش‌درآمد حاضر، گرچه از محدوده مدخلی از یک گزارش برای معرفی کتاب «جنبش جنگل و جمهوری شوروی سوسیالیستی ایران» با عنوان «میلاذ زخم» فراتر رفت، لیکن به واسطه اهمیت موضوع گریزناپذیر بود. نویسنده، کتاب حاضر را در قالب یک پیش‌گفتار، ۱۷ فصل، بی‌گفتار و مجموعه‌ای از پیوست‌ها تنظیم کرده و به دست انتشار سپرده است.

نویسنده گرایشات سوسیالیستی خود را پنهان نمی‌کند. در نخستین بند از پیش‌گفتار کتاب، هدف اصلی خویش را از نگارش کتاب نشاناندن «آگاهی تاریخی» به جای «حافظه جمعی اسطوره‌ای - ایدئولوژیکی» می‌داند و در ادامه این نظر به نقد منابع و آثار منتشره در باب جنبش جنگل می‌پردازد، نویسنده این نکته را که ماهیت جنبش جنگل در پرده جانبداری‌ها و منازعات ایدئولوژیک پنهان شده است، از چشم دور نمی‌دارد، و به‌رغم نقادی‌هایش در این باب به نظر می‌آید او نیز نه‌چندان غیر ایدئولوژیک به رویدادها نظر نمی‌کند. وی ساخته شدن فیلم و نشر تمبر با تصویر میرزا کوچک خان را در شمار رفتارهای ایدئولوژیک نسبت به جنبش جنگل ارزیابی می‌کند.<sup>۱</sup>

در نخستین فصل کتاب که به واقع، بیان نظری کتاب است، نویسنده از مشی و مرام تاریخ‌نگاران که به‌زعم او، در پیوند با قدرت به تاریخ‌نویسی رسمی روی آورده‌اند، انتقاد می‌کند و شاهد سخن خویش را در سکوت تاریخ‌نویسان دوره پهلوی و تحریف‌های تاریخی وابستگان به شوروی سوسیالیستی جستجو می‌کند و درباره هر گروه، از

به آلمان آن روزگار شده بود، اشاره می‌شود. شرایطی که ناشی از فشارهای روس و انگلیس و تسلطشان بر مقدرات ایران بود و منجر به توجه به قدرت سوم شده بود. قدرت سومی که ترکیبی از آلمانی‌ها و ترک‌های عثمانی بود. در این شرایط بود که میرزا برای آزادسازی و نجات ایران به پا خاست.<sup>۴</sup> وی به ما اطلاع می‌دهد در شرایطی مراحل اولیه جنبش جنگل تحت رهبری فرهنگدانه میرزا پشت سر گذارده شد، که به رغم نوپایی جنبش، با حمایت مردم و گروه‌هایی از چهره‌های سیاسی و برخی از افسران زاندرمری زمینه‌های اوج گیری آن فراهم شد. نویسنده مهم‌ترین ویژگی این دوره را مبارزه علیه قدرت خارجی به ویژه نیروهای روسیه تزاری می‌داند که البته امیدهای زیادی برای ایرانیان پدید آورده بود.

در پنجمین فصل کتاب خواننده با برنامه سیاسی جنبش به قرائت نویسنده آشنا می‌شود. او به نقل از شاهدهی عینی می‌گوید جنگلیان برنامه مشخصی نداشتند و این در حالی است که روایت فخرایی در سردار جنگل، با آوردن نمونه‌های از روزنامه جنگل و از همه مهم‌تر مرامنامه منتشره ایشان، چیزی دیگری می‌گوید. نویسنده به درستی یادآور می‌شود که راوی مارکسیست نمی‌توانسته درک روشنی از برنامه جنگلیان داشته باشد.<sup>۵</sup>

نویسنده در این فصل، این فرض را پی می‌گیرد که جنگلیان برای اصلاحات ارضی فاقد برنامه مشخص بودند و به همین دلیل نتوانستند در موضع دفاع از توده‌ها قرار گیرند و البته از بهنگام بودن یا نابهنگام بودن چنین توقعی از جنگلیان سخنی به میان نیاورده است. وی در بخش پایانی فصل، با توجه به فقدان هر دلیل و سندی، قاطعانه جنبش را از وابستگی به دولت‌های محور مبرا می‌داند.<sup>۶</sup>

در هفتمین فصل کتاب، خواننده با تحلیل‌های مرتبط با سقوط ترازها و تأثیر آن بر ایران که به یکه‌تازی انگلیس‌ها و همچنین ورود بازیگران جدید به عرصه سیاست جهانی بود، آشنا می‌شود. این فصل توضیح دوره‌ای را بر عهده دارد که به دنبال خلأ حضور ناشی از خروج نیروهای تزاری همزمان با پایان جنگ جهانی اول، ایران با یکه‌تازی پیروزمندان انگلیس مواجه شده بود، به ویژه این که در رویارویی اجتناب‌ناپذیر با جنگلی‌ها، آنان را با شکست‌هایی در چند جبهه مواجه کرده بود. در این شرایط عناصری از همراهان جنبش جنگل که مرعوب انگلیس‌های پیروزمند شده بودند، راه خود را از میرزا جدا کرده و جنبش را به مسیر تضعیف سوق داده بودند. نویسنده در توضیح عوامل تضعیف جنبش جنگل، علاوه بر مسأله بالا، به مواردی چون تهدیدهای انگلیس‌ها مبنی بر استفاده از گازهای شیمیایی در جنگ، ترحم میرزا نسبت به اسیران و حتی خائنان به عنوان عامل تضعیف اشاره می‌کند. البته وی کماکان نداشتن سیاست و برنامه در مورد زمین‌های کشاورزی و اصلاحات ارضی را عمده عامل تضعیف جنبش می‌داند و آن را عاملی برای عدم اشتیاق توده‌های دهقانی به تداوم جنبش برمی‌شمارد. در ادامه این سخنان، با تکرار گزارش‌های عناصر متمایل به مارکسیسم تقدیرگرایی میرزا عامل دیگری برای تضعیف جنبش معرفی می‌کند.

هفتمین فصل کتاب به نگاه‌های خارجی‌ان دربار جنگلیان

اختصاص یافته است. در این فصل ابتدا به روابط آلمانی‌ها با جنبش جنگل که به حضور چند فراری آلمانی ختم می‌شد، اشاره شده و بزرگ‌نمایی مورخان استالینیستی در این مورد به نقد کشیده می‌شود. در دیگر بخش، به عدم وجود هرگونه سندی از دیدگاه مقامات تزاری در مورد جنگلیان اشاره شده است. در اینجا وی به اولین گزارش یک ایرانی بلشویک یعنی غفارزاده در مورد جنبش جنگل اشاره می‌کند و معتقد است این گزارش پایه مناسبات بعدی جنگلیان با بلشویک‌ها بوده است. در ادامه این فصل، بی‌بنیان بودن اتهامات بلشویک‌ها مبنی بر روابط میرزا با آلمانی‌ها به اثبات رسیده است. در نگاه بلشویک‌ها، میرزا آرمان‌خواهی انقلابی و در پی آزادی ایران از یوغ انگلیس‌ها بود. این توصیف از میرزا، او را در صف پیشاتازان انقلاب سوسیالیستی در شرق قرار می‌داد و به همین سبب، حمایت از او ضروری می‌نمود. به رغم این نظر، مورخان متأثر از فضای دوران استالین، میرزا را تحت تأثیر آلمان‌ها و انگلیس‌ها معرفی می‌کردند. دیگر دشمنان میرزا و جنبش جنگل نیز با انواع اتهاماتی از قبیل راهزن، او را متأثر از آلمانی‌ها و بلشویک‌ها معرفی کردند.

نکته‌ای که اهمیت ویژه دارد این که پژوهشی بی‌طرفانه و مبتنی بر اسناد و شواهد میرزا و جنبش جنگل را از هر نوع اتهامی مبری می‌کند و بر عدم وابستگی وی به هر بیگانه‌ای صحنه می‌گذارد.

در هشتمین فصل کتاب، برآمدن کمونیسم ایرانی که متأثر از حضور انقلابیون بلشویکی است به بررسی کشیده شده است. این زایش که متأثر از برنامه صدور انقلاب توسط انقلابیون بلشویک است، ابتدا با فضا سازی تبلیغی درباره لغو تمامی امتیازات روسیه در دوره تزارها و نسبت به ایران آغاز می‌شود و سپس برنامه آشتی طلبی با حکام وقت در دستور کار قرار می‌گیرد. تحرک تبلیغاتی بلشویک‌ها در لغو امتیازات ماقبل انقلاب اکتبر، فضا را به سود ایشان سامان می‌دهد و طبیعتاً بخشی از نگاه‌های نخبگان و توده‌ها را به خود جلب می‌کند. خاصه این که از همان ابتدا ضدیت با امپریالیسم انگلیسی نیز ترویج می‌شود. در این شرایط است که بخشی از مهاجران ایرانی که قبل از پیروزی انقلاب اکتبر همراه بلشویک‌ها بودند و ابتدا با نام حزب عدالت خود را معرفی می‌کردند، بعد از حضور ارتش سرخ در شمال ایران فعالیت خود را در بسیاری از نقاط، به ویژه در منطقه تحت نفوذ جنگلی‌ها گسترش داده و به فاصله‌ای کمتر از پنج هفته پس از حضور نیروهای شوروی تأسیس حزب کمونیست را اعلام کردند. البته حزب کمونیست از همان ابتدا به گروه رادیکال و میانه‌رو تقسیم شد که یکی را سلطان‌زاده و دیگری را حیدر عموآوغلی نمایندگی می‌کرد.

در فصل دهم چگونگی جان گرفتن دوباره جنگل پس از حضور نیروهای شوروی در شمال بررسی شده است. خیزش مجدد جنبش جنگل در حالی شکل گرفت که آنان مدتی قبل شکست سنگینی را از نیروهای انگلیسی متحمل شده بودند. نیروهای شوروی که به بهانه سرکوب بازماندگان قوای تزاری وارد ایران شده بودند، از همان ابتدا راهبردی را پی گرفتند که نتایج آن نه تنها گریبان جنگلیان را گرفت که در سال‌های بعد نیز به عنوان یک اصل خود را نمایان کرد. این راهبرد چیزی جز سوءاستفاده از عناصر ایرانی به عنوان اهرم فشار در

گرچه نویسنده نقشه‌پردازی براساس الگوهای منبعث از جامعه غربی را برای تحلیل جامعه ایرانی بر نمی‌تابد و بر تحلیل‌گری بی‌طرفانه پای می‌فشرد، لیکن بر انبوه اسناد و سخنان میرزا کوچک خان در باب تعهد به ایرانیت و اسلامیت چشم می‌پوشد و ناخرسندی خود را از این که انقلاب اسلامی در تداوم جریان جنگل شمرده شود، پنهان نمی‌دارد



وی یعنی اشراف محلی نیز بیش از پیش از دور شدند، چراکه نگرانی از شایعات مرتبط با اجرای برنامه مصادره زمین‌ها و اموالشان آنان را به وحشت انداخته بود. نویسنده معتقد است در این شرایط که رادیکالیسم جنبش جنگل متأثر از فضای همکاری با بلشویک‌ها، خود را نمایان می‌کرد، فضای لازم برای اقدامات نهایی انگلیس‌ها نیز بیشتر فراهم می‌شد.

درفصل یازدهم کتاب، روند جدایی میرزا و عناصر حزب کمونیست ترسیم شده است. او شکننده بودن همکاری میان جنبشی ملی - دموکرات جنگل و حزب کمونیست ایران را متذکر و فروکش کردن اشتیاق اولیه را یادآور می‌شود. وی می‌گوید گرچه برنامه جنبش جنگل به نسبت آن روز جامعه ایران مترقی بود، اما با بلندپروازی‌های نیروهای رادیکالی همانند احسان‌الله خان سازگار نمی‌نمود. به نظر نویسنده، ناسازگاری دو نگرش ناچسب نه فقط کارآیی دولت ائتلافی را پایین آورد که در نهایت به جدایی کامل، خروج میرزا کوچک خان از ائتلاف و به دست گرفتن امور توسط عناصر کمونیست طی یک حرکت کودتایی انجامید. وی عمده اختلافات را به موضوع مالکیت و تغییر ساختار اجتماعی تقلیل می‌دهد، لیکن به نظر می‌آید اختلافات آنان اساسی‌تر بود و به عرصه‌های نظری، نوع جهان‌بینی، نگره‌های فرهنگی و نظام ارزشی و در یک کلام به ناهمخوانی نگره‌های مارکسیستی - لنینیستی با رویکرد ایرانی - اسلامی جنگلی‌ها بازمی‌گشت. میرزا کوچک خان بارها اعلام کرده بود که از ایرانیت و اسلامیت فاصله نخواهد گرفت، اما عناصر وابسته و کودتاگر، علاوه بر وفاداری تام و تمام به حزب برادر، از همان ابتدا نوامیس، حریم خصوصی، نظام ارزشی و اعتقادات جامعه را به چالش می‌طلبیدند.

مذاکرات بین دو دولت نبود. به همین دلیل بود که با حصول اهداف بلشویک‌ها، مبنی بر رفع خطر از مرزهای مشترک با ایران، عملاً به رکود کشاندن جنبش در فاصله‌ای کمتر از چند ماه در دستور کار بلشویک‌ها قرار گرفت.

در همین فصل، فرایند اعلام جمهوری شوروی در گیلان و رادیکالیزه شدن جنبش پس از ورود نیروهای شوروی به بحث کشیده شده است. البته حضور این نیروها نه فقط در عرصه سیاسی که در عرصه اجتماعی نیز بروز و نمود پیدا کرده بود. هم‌زمان با حضور بلشویک‌ها در انزلی و حضور مجدد میرزا در رشت، توافق‌نامه‌ای نیز بین دو طرف به امضا رسید که محتوای شکننده آن نگرانی جنگلی‌ها را بازتاب می‌داد. تبلیغ نکردن کمونیسم، عدم مداخله در امور داخلی و وارد نشدن نیروهای جدید به گیلان از جمله مواد مهم توافق‌نامه بود که البته سیر حوادث بعدی عکس همه این‌ها را نشان داد و از هوشیاری رهبری جنگل نیز پرده برداشت.

بلشویک‌ها هم‌سویی با میرزا را به دلیل نیازشان برای تثبیت موقعیت داخلی و بین‌المللی به سود خویش می‌دیدند و او را هرگز کمونیست نمی‌دانستند. میرزا نیز صراحتاً اعلام می‌کرد که در پی ایجاد دولتی دموکراتیک در ایران است و اجرای برنامه‌های بلشویکی را در سر ندارد. مرزبندی طرفین آشکار بود. البته اعلام تشکیل جمهوری سوسیالیستی در گیلان بسیاری را در مرکز نگران کرده بود و به نظر می‌آید در همین اثنا بود که کارگردانان سیاست‌های جهانی به رهبری انگلیس نیز، در پی راه چاره‌نمایی یعنی به‌کارگیری مهره‌ای قدرتمند به جای عناصر ناموفقی چون وثوق‌الدوله برآمدند. از سوی دیگر با اعلام مواضع شبه سوسیالیستی میرزا، برخی متحدان قدرتمند بومی

میرزا کوچک خان بارها اعلام کرده بود که از ایرانیت و اسلامیت فاصله نخواهد گرفت، اما عناصر وابسته و کودتاگر، علاوه بر وفاداری تام و تمام به حزب برادر، از همان ابتدا نوامیس، حریم خصوصی، نظام ارزشی و اعتقادات جامعه را به چالش می‌طلبیدند



نویسنده در این فصل، این فرض را پی می‌گیرد که جنگلیان برای اصلاحات ارضی فاقد برنامه مشخص بودند و به همین دلیل نتوانستند در موضع دفاع از توده‌ها قرار گیرند و البته از بهنگام بودن یا نابهنگام بودن چنین توقعی از جنگلیان سخنی به میان نیآورده است

دیگر مخالفان آنان منسوب می‌کند، اما سوء مدیریت و زیاده‌روی آنان را می‌پذیرد و البته این تندروی‌ها را نیز به سود انگلیس‌ها می‌داند. بعد از این مرحله، نزاع میان دو گروه از کمونیست‌های رادیکال و میانه‌رو نیز بالا گرفت که اوضاع به سود میانه‌روها به رهبری حیدر عمو اوغلی به چرخش درآمد. این چرخش به ائتلاف نیم‌بند مجددی با جنگلیان انجامید.

در این فصل، به تغییرات حاصل از شرایط نوین بین‌المللی نیز اشاره شده است، چرا که کارنامه بی‌توفیق شوروی و کمونیست‌ها، راه را برای اقدام نهایی انگلیس‌ها هموار کرده بود. اقدامی که از یک سو در پیوند با مذاکرات تجاری میان شوروی و انگلیس و از سوی دیگر، اتفاق نظر بر حذف جنبش جنگل دور می‌زد.

فصل سیزدهم کتاب، نتایج حاصل از شرایط جدید را به بررسی نشسته و محتوای کار را به مذاکرات سه جانبه مسکو، لندن، تهران اختصاص داده است. مذاکراتی که ابتدا در فضایی سرد، اما در ادامه، به احیای مناطق نفوذ سنتی جانشینان تزاری انجامید که اینک لباس سوسیالیسم بر تن کرده بودند. مطالعه این فصل گویای شکل سیاست نواستعماری کرملین‌نشینان است، سیاستی که طی چند دهه روایتی وارونه آن توسط وابستگان وطنی سوسیالیسم روسی به خورد جوانان

به گفته صریح نویسنده، کمونیست‌ها بعداً با عقب‌نشینی از مواضع اولیه خود، اعلام کردند به مالکیت خصوصی احترام می‌گذارند، اما توافق‌نامه اولیه نقض شده بود و با این که شوروی کمی در سیاست‌هایش نسبت به جنگل تجدید نظر نشان می‌داد و با قربانی کردن چند مهره می‌خواست رفتاری دیگر را القا کند، لیکن راه فروپاشی ائتلاف بی‌بازگشت می‌نمود.

دوازدهمین فصل کتاب به روزگار کوتاه حاکمیت کمونیست‌ها در گیلان اختصاص یافته است. در کابینه کمونیست‌های گیلان افرادی همانند احسان‌الله خان، خالو قربان و دیگران حاضر بودند، یکی از اعضای کابینه میر جعفر پیشه‌وری بازیگر بعدی شوربخت فرقه دمکرات آذربایجان بود که باید تا حدود دو دهه بعد به صحنه می‌آمد و کنار گذاشته می‌شد. میزان استقلال و وابستگی این کابینه نسبت به بیگانگان، با نگاهی به فرجام هر یک از این افراد بیشتر آشکار می‌شود.

کابینه کمونیست‌ها در گیلان که جز پیش‌فرض‌های ایدئولوژیک تصور دیگری در ذهن نمی‌پروراند، در کنار برخی اقدامات تأمینی، اولین اقدام خود را در توزیع زمین در گیلان خلاصه کرد. نویسنده رفتارهای ضد مذهبی کمونیست‌ها را به شایعه‌پراکنی انگلیس‌ها و

این دیار داده می‌شد و آنان را اغوا می‌کرد.

در فصل چهاردهم، خواننده پاسخ بسیاری از ابهام‌آفرینی‌های منتشرشده در آثار شبه‌تاریخی مرتبط با روی کار آمدن رضاخان در کودتای ۱۲۹۹ را درمی‌یابد. در این فصل چگونگی حمایت آبرون‌ساید از رضاخان، به کار گرفته شدن قزاقان توسط انگلیس‌ها، به عنوان یگانه نیروی نظامی که می‌توانست وظایف سرکوبگرانه‌اش را به انجام رساند، توضیح داده شده است. انگلیسی‌ها وقتی که خطر نزدیک شدن غول از چراغ در آمده سوسیالیسم روسی را بر سر منابع ثروت و مراکز غارتگری خود در کنار آب‌های گرم خلیج فارس و اقیانوس هند احساس کردند، با تغییر سناریوی سلطه، انجام اصلاحات توسط گماشته قدرتمند را پیش گرفتند. کودتای رضاخان - سید ضیاء در اسفند انجام گرفت و اولین اقدام کودتاچیان به سرکوبی جنبش جنگل معطوف شد. معامله شیرین انگلیس‌ها با شوروی به سرانجام خود نزدیک شده بود.

فصل پانزدهم کتاب، به سیاست دوگانه شوروی برای احیای ائتلاف و زمینه‌سازی برای خروج از شمال ایران اختصاص یافته است. کارگردانان کمونیسم بین‌الملل در فاصله کمتر از ۳ سال پس از انقلاب اکتبر، خود را با واقعیت‌های جهانی هماهنگ می‌کردند. در بخش ایرانی تعدیل‌لینی، از یک سو قرارداد تجاری با انگلیس، از سوی دیگر قرارداد مودت با ایران و دست آخر حذف عناصر رادیکال جنبش، برنامه‌ریزی می‌شد. تفاهم کامل دولت کودتاچی برآمده از برنامه‌ریزی انگلیس‌ها، همزمان با تلاش سفیر شوروی برای پایان دادن به جنبش جنگل، از اشتراک نظر مظهر امپریالیسم با مظهر سوسیالیسم حکایت می‌کرد.

در فصل ۱۶ کتاب، آخرین تلاش‌ها برای قربانی کردن میرزا کوچک خان در پای منافع دو قدرت بین‌المللی روایت می‌شود.

روتشتاین، سفیر شوروی، اینک به میانجی صلح بدل شده بود و کلانتروف، وابسته نظامی شوروی، کودتاچیان را برای دستیابی به پناهگاه‌های جنگلی‌ها راهنمایی می‌کرد. جنبش جنگل در حالی به واپسین نفس‌های خود نزدیک می‌شد که عناصر اصلی آن، به ویژه شخص میرزا کوچک خان تاوان عدم وابستگی و پایداری بر سر آرمان مشروطیت را پس می‌دادند. البته در این بخش، نویسنده با استناد به روایات و اسناد مختلف تاریخی به عدم دخالت میرزا در ماجرای ملاسرا، که به قتل حیدر عمو اوغلی منجر شد، صحنه می‌گذارد و به یکی از دروغ‌های بزرگ تحریف‌کنندگان بلشویک مسلک تاریخ پاسخ می‌گوید. در همین بخش، خواننده با اطلاعاتی مواجه می‌شود که نشان می‌دهد شوروی‌ها برای تضعیف نهایی جنگل به هر دو طرف دعوی داخلی جنگل سلاح می‌رساندند. پس از آخرین اقدامات برای خارج کردن عناصر وابسته به شوروی از گیلان که عملیات آن را کلانتروف وابسته نظامی شوروی در ایران هدایت می‌کرد، با شروع حملات تبلیغاتی روس‌ها علیه میرزا کوچک خان، بلافاصله لشکر قزاق به فرماندهی رضاخان عملیات نهایی برای سرکوب جنگلی‌ها را آغاز کرد.

نویسنده در این بخش از یک تروریست حرفه‌ای روس یاد

می‌کند که حضورش در گیلان بی‌ارتباط با حوادث خونین نبردهای داخلی جنگلیان نیست، نکته قابل توجه برای خواننده این است که حضور این فرد که از عناصر خاص و عمیقاً مورد اعتماد شخص لنین است، تحت پوشش تجارت صورت گرفته بود که منطقی نمی‌تواند با ترور حیدر عمو اوغلی بی‌ارتباط باشد. شواهد مورد استناد نویسنده در این فصل، گویای آن است که شوروی‌ها پس از توافق با انگلیس‌ها در برنامه نابودی جنبش جنگل که مورد تأیید شخص لنین نیز بود، فعالانه مشارکت کرده و بر انقلاب ۶ ساله جنگل بوسه مرگ زدند.

هفدهمین فصل کتاب، که با هدف درس‌اندوزی از مراحل مختلف جنبش جنگل و در قدمی فراتر، تجربه‌آموزی از تحولات تاریخ معاصر ایران، نگاشته شده است، تحلیلی تاریخی است از موانع توسعه به زعم نگارنده و البته برآمده از نگاه ویژه مؤلف که به نظر می‌آید مبتنی بر سوسیالیسمی تعدیل‌شده استوار است. بخش پایانی کتاب یعنی فصل هفدهم، هدفی فراتر از تحقیقات آکادمیک و مرسوم تاریخی را پی گرفته است. نویسنده در این فصل که از بازسازی نشدن تاریخ در تمامیت آن ناخرسندی خود را ابراز می‌کند، به درستی بر این باور پای می‌فشارد که اگر ایرانیان از جنبش جنگل اسطوره‌پردازی نمی‌کردند و آن را به عنوان یک درس تاریخی مورد بررسی قرار می‌دادند، بسیاری از خطاهای نسل‌های بعد از جنگ جهانی دوم قابل اجتناب بود.<sup>۷</sup>

کتاب در ادامه با دو بخش ارزشمند تداوم می‌یابد یکی با عنوان پی‌گفتار که مجموعه‌ای از اطلاعات نوین درباره جنبش جنگل است و تماماً با استناد به آرشیوها و اسناد بایگانی شوروی حاصل شده است. این بخش از کتاب، آن را به سرآمد آثار منتشره درباره جنبش جنگل تبدیل کرده است. در بخش پایانی کتاب خلاصه‌ای از زندگی‌نامه بسیاری از بازیگران تاریخی دوره موردنظر کتاب آمده است که در جای خود ارزشمند می‌نماید.

نکته پایانی این که خسرو شاکری در این کتاب، پژوهشی تاریخی و ارزنده ارائه می‌دهد که نشان از تلاش چندساله او در این عرصه است. وی در پژوهش خود درباره جنبش جنگل اثری ماندگار آفریده است. به رغم این توفیق، کتاب وی نیز همانند بسیاری از آثار تاریخی، مصداق حکم مشهوری است که می‌گوید هر اثر تاریخی از نوعی فلسفه تاریخ تبعیت می‌کند، حتی اگر آن را به زبان نیاورد. تمایلات نویسنده در نخستین مواجهه با کتاب آشکار خودنمایی می‌کند. این تمایلات در بخش‌هایی از کتاب، تصویری ناقص از جنبش جنگل ارائه می‌کند که در حین گفتار حاضر، به مواردی از آن اشارت رفت.

پی‌نوشت:

- ۱- ص ۲۱
- ۲- ص ۲۸
- ۳- ص ۷۳
- ۴- ص ۸۲
- ۵- ص ۹۲
- ۶- ص ۱۱۵
- ۷- ص ۴۶۹

